

### متن پرسش

سلام استاد. شوهرم علاوه بر ایمان قوی اش به من هیچ اهمیتی نمی دهد و حال من خیلی گرفته شده. آیا شما صلاح می دونید که با مطالعه ی پی در پی کتب شما و دیگر عرفا، سعی کنم ذهنم رو نسبت به بی توجهی همسرم به من ، بی تفاوت کنم و از بی توجهی و احیانا برخوردهای نامطلوب شوهرم، به عنوان ابزاری جهت کمال خود به سمت خداوند استفاده کنم ؟ آیا این مسئله باعث سقوط ایمانی همسرم نمی شه ؟ سوال دوم این که شوهرم اصلا من رو لایق حرف زدن با خودش نمی دونه و این مسئله خیلی من رو دپرس کرده، صلاح می دونید که من هم اصلا با او صحبت نکنم ؟ هرچقدر منطقی باهاشون صحبت کردم فایده نداره و حتی روزی یکی دوساعت هم حاضر نیست برای من وقت بذاره و البته منکر این مسئله است. سوال سوم این که شوهرم موقع صحبت کردن خودش یا من ، اصلا به چهره من نگاه نمی کنن و این رو یک عادت بد در خودش می دونه که نمی تونه ترک کنه ، من هم یک روز است که به هیچ وجه در چهره ی او نگاه نکردم ، به نظر شما این رفتارهای تقابلی برای فهماندن اشتباه طرف مقابل تا چه حد جواب میده ؟ سوال چهارم : درحالی که شما فرمودید حضرت آدم و حوا باهم در بهشت بودند و باهم از بهشت خارج شدن ، و نظر به سلوک معنوی هم زمان زن و شوهر ، آیا باز هم استفاده از کم توجهی شوهر در جهت کمال خودمان، مطلوب است و موجب سقوط او یا خودمان نمی شود ؟ خیلی متشکرم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ۱- در هر حال انسان می تواند نظر به خدا را جایگزین سایر نقیصه ها قرار دهد ولی نه از سر آن که خدای ناکرده شما هم نسبت به همسرتان بی توجه باشید ۲- شما در هر حال با روی گشاده با همسرتان برخورد کنید و مقابله به مثل نکنید تا نورانیت لازم را به دست آورید ۳- شما به چهره ی همسرتان نگاه کنید تا ثواب لازم را ببرید ۴- در هر صورت اگر زن و شوهر وظیفه ای که به عهده ارند نسبت به همدیگر انجام دهند کمال لازم را به دست می آورند. موفق باشید